

معیارهای گزینش همسر در آموزه‌های دینی

حجت الاسلام والمسلمین عسکری اسلام‌پورکرمی

اشاره

یکی از مسائل بسیار مهم و اساسی قبل از ازدواج، در نظر گرفتن معیارهایی برای انتخاب همسر است. به جرئت می‌توان گفت بیشترین مشکلاتی که در زندگی مشترک به وجود می‌آید، ناشی از رعایت نکردن معیارهای انتخاب همسر است. اکثر روان‌شناسان و متخصصان خانواده معتقدند: هر اندازه زن و مرد قبل از ازدواج، اطلاعات صحیح و دقیق‌تری نسبت به یکدیگر داشته باشند، ازدواج موفق‌تری خواهند داشت.

به هر حال، باید توجه داشت که انتخاب همسر، مانند انتخاب لباس و یا گزینش نوکر نیست؛ زیرا شخص با انتخاب همسر می‌خواهد شریک زندگی برگزیند؛ شریکی که تا پایان عمر همراه و همراز او باشد. از این رو، عقل حکم می‌کند که انسان درباره همسر آینده‌اش تحقیق کند و از شتاب‌زدگی و اغماض بپرهیزد. در آموزه‌های دینی نیز به این امر توجه ویژه‌ای شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الْمَرْأَةَ قِلَادَةٌ فَإِنْ نَظَرُ مَا تَتَقَلَّدُ؛^۱ همانا زن همانند گردن بندی است که به گردن انسان افکنده می‌شود؛ دقت کن چه گردن بندی بر گردن

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۳.

زندگی خود می‌افکنی.» پیشوایان معصوم علیهم‌السلام دستور داده‌اند: هنگام انتخاب همسر، ابتدا وضو بگیرد و دو رکعت نماز بخواند و آن‌گاه از خداوند مهربان بخواهد، همسری شایسته نصیب شما گرداند و سپس سراغ انتخاب همسر بروید.^۱

اسلام برای گزینش همسر معیارهای را معین کرده است که رعایت و به‌کار بستن آنها موفقیت تشکیل خانواده را افزایش می‌دهد. بی‌تردید یکی از علل شکست خانواده‌ها، نادیده گرفتن معیارهای دینی است. در این نوشتار سعی شده، معیارها و ملاک‌های انتخاب همسر شایسته، تبیین گردد.

معیارها و ملاک‌های ازدواج

۱. ایمان و تقوادماری

از مهم‌ترین عوامل ازدواج موفق، هم‌شان بودن زن و مرد است که از آن با واژه «کفو» یاد می‌گردد. «کفو» در لغت به معنای یکسانی، برابری، شباهت، شایستگی و صلاحیت است.^۲ از مهم‌ترین مصداق هم‌کفو بودن، دینداری و تقوا است. چنان که قرآن می‌فرماید: «الْحَيِّثَاتُ لِلْخَيْثِينَ وَالْخَيْثُونَ لِلْحَيِّثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ...»^۳؛ زنان خبیث و ناپاک از آن مردان خبیث و ناپاکند! و مردان ناپاک نیز تعلق به زنان ناپاک دارند...».

در این که مراد از «خبیثات» و «خبیثین» و نیز «طبیبات» و «طبیبن» در این آیه شریفه چه کسانی هستند، بین مفسران اختلاف است؛ ولی در مجموع می‌توان گفت:

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۹.

۲. ر.ک: احمد سیاح، فرهنگ سیاح، ج ۳، ص ۱۶۷.

۳. نور، آیه ۲۶.

مراد از «خبیثات» و «خبیثین»، مردان و زنانی هستند که به سبب نداشتن ایمان و تقوا، به خبثت توصیف شده، حالتی پلید دارند و به خاطر کفر، وضعی ناخوشایند به خود می‌گیرند و اگر زنان خبیث را به مردان خبیث و مردان خبیث را به زنان خبیث اختصاص داده، به دلیل یکی بودن مرام آنها است.

همچنین مراد از «طیبین» و «طیبات»، مردان و زنانی هستند که به جهت ایمان و تقوایی که دارند، به پاکی توصیف شده‌اند.

در روایات کتاب نکاح^۱ نیز می‌خوانیم: یاران ائمه علیهم‌السلام، گاه از ازدواج با زنان «خبیثه» سؤال می‌کردند که با جواب منفی روبه‌رو می‌شدند، این بیانگر این است که «خبیثه» اشاره به زنان ناپاک است.^۲ طبق قرآن کریم از ازدواج انسان پاک، یعنی انسان مؤمن با انسان ناپاک منع و به ازدواج با زنان با عفت تأکید شده است.

درباره «هم‌کفو و هم‌تا»، روایات متعددی وجود دارد که به چند روایت بسنده می‌کنیم:

رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «إِذَا جَاءَكُمْ مَنْ تَرْضَوْنَ دِينَهُ وَآمَانَتَهُ يَخْطُبُ إِلَيْكُمْ فَرَوْجُوهُ إِنْ لَا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ»^۳ کسی که برای خواستگاری نزد شما آمد و نسبت به دین و امین بودن وی رضایت داشتید، حتماً زمینه این ازدواج را فراهم نمایید، که منع ازدواج هم‌کفو، از جانب شما زمینه‌ساز فتنه در روی زمین و فساد بزرگ است.» به نمونه زیر توجه شود.

(جُوْبِرَ) جوانی است که از یمامه به مدینه آمده و مسلمان شده بود. او مؤمنی متعهد، ولی در عین حال سیاه پوست، کوتاه قد و مستمند بود. روزی

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۳۷.

۲. ناصر مکارم شیرازی، و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۴۲۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.

پیامبر ﷺ به او فرمود: «چرا ازدواج نمی کنی؟» عرض کرد: «چه کسی به این بینوا زن می دهد؟» فرمود: «اسلام، هر خوار و ذلیلی را عزیز کرده است.» نزد «زیاد بن بُبَید» که از اشراف انصار است، برو و دخترش را خواستگاری کن. جویر نزد زیاد آمد و از قول حضرت دختر او را خواستگاری کرد. زیاد گفت: «ما دختران خود را تنها به همدریفان خود از انصار می دهیم و با آنها وصلت می کنیم.» جویر، نزد پیامبر ﷺ آمد و جریان را عرض کرد؛ آن گاه حضرت به «زیاد» فرمود: «ای زیاد! جویر مؤمن است و هر مرد مؤمنی، کفو زن مؤمنه و هر مرد مسلمانی کفو زن مسلمان است.»^۱ در نتیجه این ازدواج صوت گرفت.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَا مِنْ رُزْءَةٍ أَشَدَّ عَلَى عَبْدٍ أَنْ يَأْتِيَهُ إِسْنُ أَخِيهِ فَيَقُولَ رَوَّجْنِي فَيَقُولَ لَا أَفْعَلُ أَنَا أَغْنَى مِنْكَ؛^۲ مصیبتی از این شدیدتر نیست که جوان مؤمنی دختر برادر مؤمنش را خواستگاری کند، و پدر دختر پاسخ دهد، من از این ازدواج عذر می خواهم، زیرا تو از نظر مالی در رتبه من نیستی!»

بر این اساس در ازدواج، نباید فقر و غنا و... ملاک قرار گیرد، چون همه دختران و پسران، دختران و پسران یک پدر و مادرند، و امتیاز، جز تقوا نیست.^۳ در ضمن در هم کفو بودن، لزومی ندارد که اگر زن ثروتمند است، مرد نیز حتماً ثروتمند باشد؛ از این رو امام صادق علیه السلام فرمود: «الْكَفْوُ أَنْ يَكُونَ عَفِيفاً وَ عِنْدَهُ يَسَارٌ؛^۴ کفو بودن این است که عقیف باشد و بتواند مخارج اهلیش را بپردازد.»

۱. این حدیث به طور مشروح در فروع کافی، ج ۵، ص ۳۴۰ آمده است.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۲، ص ۵۳-۵۴.

۳. حجرات، آیه ۱۳.

۴. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۲؛ کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۳۴۷؛ محمدباقر

مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْمُؤْمِنُونَ بَعْضُهُمْ أَكْفَاءُ بَعْضٍ؛^۱ همه مؤمنین و معتقدین به دین اسلام و دستورات آن، کفو یکدیگرند.» لذا خداوند بهترین ازدواج را، وصلت متقیان با یکدیگر می‌داند.^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ؛^۳ کسی که به خاطر دین و ایمان زنی، ازدواج کند، خداوند نیز دنیایش را برای او فراهم می‌کند.»

در روایتی آمده فردی به امام حسن علیه السلام عرض کرد: دختری دارم او را به ازدواج چه کسی در آورم؟ حضرت فرمود: «زَوِّجْهَا مِنْ رَجُلٍ تَقِيٍّ، فَإِنَّهُ إِنْ أَحَبَّهَا أَكْرَمَهَا وَإِنْ أَبْغَضَهَا لَمْ يَطْلُبْهَا؛^۴ برای دخترت همسری باتقوا و مؤمن انتخاب کن؛ زیرا اگر او را دوست بدارد، اکرامش می‌کند و اگر از او خوشش نیاید، به وی ستم روانمی‌دارد.»

۲. شرافت و اصالت خانوادگی

یکی از اساسی‌ترین ملاک‌های ازدواج، شرافت و اصالت خانوادگی است. منظور از این امر شهرت و ثروت نیست بلکه «نجابت و پاکی و... است. همچنین اصالت به معنای سلامت اعضای خانواده، خوشنام‌بودن آنان است. به عبارت دیگر آنچه در اصالت خانوادگی اهمیت دارد، توجه به دو عامل وراثت و تربیت است. از نظر اسلام صفات و خصوصیات والدین در فرزندان آینده تأثیر می‌گذارد. به همین دلیل باید قبل از انتخاب همسر، درباره سابقه خانوادگی همسر و به خصوص مراتب ایمانی و اخلاقی آنها، تحقیق لازم صورت گیرد؛ زیرا ازدواج، به معنای پیوند با یک خانواده و فامیل و نسل است؛ ازاین‌رو در

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۹.

۲. نور، آیه ۲۶.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۱.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مکارم الاخلاق، ص ۲۳۳.

انتخاب همسر، معقول نیست که انسان بگوید: «من می‌خواهم با خود این شخص ازدواج کنم و به خانواده و خویشان و فامیل او کار ندارم؛ زیرا این فرد، جزیی از همان خانواده و فامیل، است که بسیاری از صفات اخلاقی، روحی، عقلی و جسمی آن خانواده و فامیل، از راه وراثت و تربیت به این فرد منتقل شده است.

دکتر آلکسیس کارل می‌گوید: «در علم ژنتیک ثابت شده است که برخی از صفات پسندیده یا ناپسندیده والدین، از طریق «ژن‌هایی» که در «کروموزوم» وجود دارد به فرزندان منتقل می‌شود. بنابراین فرزند به هنگام گام نهادن به عرصه حیات، نسخه خلق و خوی والدین خود را همراه دارد.»^۱

علم جدید وراثت ثابت کرده است که خواص موروثی از والدین به وسیله توزیع «کروموزوم‌هایی» که در هسته یاخته‌ها هستند به فرزندان منتقل می‌شوند.^۲

دکتر آلکسیس کارل در این باره می‌گوید: «هیچ کس نباید با افرادی که نشانه‌های بیماری‌های ارثی دارند، زناشویی کند. تقریباً تمام بدبختی‌های آدم ناشی از نقایص ساختمان عفونی و روانی و عوامل ارثی اوست...»^۳

اسلام قبل از آن که علم جدید در این باره (انتقال صفات والدین به فرزندان) ابراز نظر نماید، نظر خود را در این خصوص ابراز نموده است. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «تَخَيَّرُوا لِطُفُفِكُمْ، فَإِنَّ الْعَرَقَ دَسَّاسٌ»^۴ برای خود همسر شایسته انتخاب کنید؛ زیرا ژن‌ها خصایص والدین را، به نسل‌های بعد انتقال می‌دهند..

پیامبر اکرم ﷺ در اهمیت این موضوع فرمود: «أَنْظُرُ فِي أَيِّ شَيْءٍ تَضَعُ وَلَدَكَ فَإِنَّ

۱. الکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ترجمه عنایت الله شکیباپور، ص ۲۵۳.

۲. دکتر ابوالقاسم رضوانی، بهداشت جسمی و روانی کودک، ص ۸.

۳. الکسیس کارل، انسان موجود ناشناخته، ترجمه پرویز دبیری، ص ۳۱۲.

۴. نعمان بن محمد مغربی، دعائم الاسلام، تصحیح: آصف فیضی، ج ۲، ص ۵۷۴.

العِرْقَ دَسَّاسٌ؛^۱ بنگر که [نطفه] فرزندی را در چه جایی قرار می‌دهی، زیرا «عِرْق» (ژن) بسیار انتقال‌دهنده است.» همچنین فرمودند: «تَخَيَّرُوا لِطُفَيْكُم فِإِنَّ النِّسَاءَ يَلِدْنَ أَشْبَاهَ إِخْوَانِهِنَّ وَأَخْوَانِهِنَّ؛^۲ برای نطفه‌های خود گزینش کنید؛ زیرا، زنان بچه‌هایی همانند برادران و خواهران خود به دنیا می‌آورند.»

واژه «عِرْق» در لغت به معنای ریشه و اساس یک پدیده است، و اساس آفرینش انسان «نطفه» می‌باشد و «دساس» به معنای انجام کاری مخفیانه و پنهانی است؛ بنابراین مقصود از «دساس» بودن نطفه، این است که صفات موروثی از طریق نطفه به طور مخفی به فرزند منتقل می‌گردد، این سخن پیامبر اکرم ﷺ «العِرْقُ دَسَّاسٌ» به صورت ضرب المثل در میان عرب معروف است.^۳ پیامبر اکرم ﷺ با این بیان به مسلمانان فهماند که از قانون وراثت غافل نباشند و در انتخاب همسر دقت لازم را داشته باشند. حضرت از واژه «عِرْق» استفاده نمود که امروزه در محافل علمی از آن به واژه «ژن» تعبیر می‌شود.

پزشکان امراض روحی، ثابت کرده‌اند که ۶۶٪ کودکان مبتلا به امراض روحی بیماری را از مادران خود به ارث برده‌اند.^۴

خلاصه آن‌که در خانواده‌های اصیل و شریف کمتر اتفاق می‌افتد که فرزندان ناصالح پرورش یابند و برعکس در خانواده‌های غیراصیل و ناصالح، کمتر اتفاق می‌افتد که فرزندان صالح و نجیب، پرورش یابند.

در نهج البلاغه نامه‌ای است که امام علی علیه السلام در پاسخ خودستایی‌های «معاویه» نوشته و طی آن میان دو خانواده بنی‌هاشم و بنی‌امیه مقایسه کرده و

۱. شهاب الدین محمد بن احمد، المستطرف فی کل فن مستطرف، ج ۲، ص ۲۱۸.

۲. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۹۲.

۳. لَا تَخْطِبَنَّ سِوَى كَرِيْمَةٍ مَعَشَرٍ *** فَالْعِرْقُ دَسَّاسٌ مِنَ الطَّرْفَيْنِ (ر.ک: شرتونی لبنانی،

سعید الخوری، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ج ۱، ماده «دسس»، ص ۱۳۸).

۴. ملا محسن فیض کاشانی، المحجة البیضاء، ج ۳، ص ۹۴.

نشان داده است که در برابر هر فضیلت و امتیاز در خانواده بنی هاشم، یک رذیلت و انحطاط در خاندان بنی امیه وجود دارد. حضرت در فرازی از آن می فرماید: «...مِنَّا النَّبِيُّ وَمِنْكُمْ الْمُكذَّبُ؛ در خاندان ما (پیامبر) ﷺ است و در خاندان شما (ابوجهل) که کارش تکذیب حق بود.» «وَمِنَّا أَسَدُ اللَّهِ وَمِنْكُمْ أَسَدُ الْأَخْلَافِ»^۱ و ما «حمزه» شیر خدا داریم و شما ابوسفیان، شیر پیمان‌های باطل دارید.» امام حسین علیه السلام نیز عزت‌مندی خویش را به خانواده خویش مستند نمود.^۲

۳. اخلاق نیکو

هرچه علم و تکنولوژی رشد می‌کند، نیاز بشر به اخلاق افزایش می‌یابد و لازم است به موازات آن، آموزه و دستورات اسلام مورد نظر قرار گیرد؛ زیرا، علم به تنهایی درباره اخلاق‌مداری و تربیت انسان‌ها راه‌حلی جامع و مفیدی ارائه نمی‌دهد.

افزایش آمار جرائم، جنایات، فساد، متلاشی‌شدن خانواده‌ها و... شاهد بر این ادعا است، زیرا استعمارگران، علم و صنعت را به نفع خویش استخدام نموده‌اند، افزون بر آن علم از شناخت برخی مسائل عاجز است.

عامل مهمی که می‌تواند روح سرکش انسان را جهت دهد، اخلاق نیک است. البته اخلاق نیک، تنها خنده‌رویی و خوش‌خلقی نیست، بلکه منظور، داشتن صفات و خلق و خویهای پسندیده و مدارا با افراد است. اساس زندگی زناشویی، نیز در پرتو حسن اخلاق فراهم می‌شود.^۳

اخلاق هر انسانی تأثیر مستقیم در زندگی او دارد. این تأثیر در محیط

۱. شریف رضی، تصحیح: صبحی صالح، نهج البلاغه، نامه ۲۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۸، ص ۸۳، ح ۱۰.

۳. محمدرضا سالاری فر، خانواده از نگرش اسلام و روان‌شناسی، ص ۳۶.

خانواده نقش آفرین تر است؛ زیرا مسائل عاطفی در خانواده بر مسائل دیگر غلبه دارد، اگر اعضای خانواده از اخلاقی نیکو بهره‌مند باشند، محیط خانواده تبدیل به بهشت و در غیر این صورت، به جهنمی سوزان تبدیل خواهد شد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «بِحُسْنِ الْأَخْلَاقِ يَطِيبُ الْعَيْشُ؛^۱ با خوش اخلاقی، زندگی نیکو و مطلوب می‌گردد»، از این رو پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرمود: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ... مِنْ زَوْجَةٍ تُشِيئِي قَبْلَ أَوَانِ مَشِيئِي؛^۲ خدایا! به تو پناه می‌برم از همسری که قبل از رسیدن پیری، پیرم کند.» براین اساس در روایات اسلامی از ازدواج با افراد بد اخلاق نهی شده و به خوش اخلاقی تأکید گردیده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «کسی که برای خواستگاری نزد شما آمد و نسبت به دین و امین بودن وی رضایت داشتید، حتماً زمینه این ازدواج را فراهم نمایید، که منع ازدواج کفو با کفو از جانب شما زمینه‌ساز فتنه در روی زمین و فساد بزرگ است.»

امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم، امام سجاد علیه السلام، در یکی از موافق حجج به زنی برخورد که «اخلاق نیکش» حضرت را جذب کرد، سؤال کردند این زن دارای همسر است؟ گفتند: خیر؛ پدرم بدون این که از حسب و نسب وی تحقیق کند، از او خواستگاری کرد، و این خواستگاری منجر به ازدواج شد. فردی از انصار از داستان آگاه شد، ازدواج به این سادگی برای او بسیار سنگین و گران آمد، تصور نمود که آن زن فردی بی‌اصل و نسب باشد و سبب سرزنش امام چهارم شود. مدتی در مقام جست‌وجو برآمد و معلوم شد آن زن از طایفه «شیبان» است، خدمت امام چهارم علیه السلام رسید و جریان را با حضرت در میان گذاشت که خدا را شکر همسر شما از فامیل معروف و محترم است، حضرت فرمود: من شما را خردمندتر از این می‌دانستم که به این امور پایبند باشی، مگر نمی‌دانی

۱. عبدالواحد بن احمد تمیمی آمدی، ص ۲۵۵.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۳۶.

خداوند عزّ و جَلّ به برکت اسلام پستی‌ها را برداشت و نقص‌ها را جبران فرمود، بزرگواری و کرامت را جایگزین پستی و دنائت نمود، اینک مسلمان در هر موقعیتی باشد، محترم است و پستی از آن جاهلیت است.

حسین بن بشار واسطی به امام رضا علیه السلام نامه نوشت که یکی از بستگانم خواستار ازدواج با من است، ولی بد اخلاق است؛ حضرت فرمود: «اگر اخلاقش بد است، با وی ازدواج نکن.»^۱ بنابراین، خوش اخلاقی همسر، نقش مؤثری در زندگی انسان دارد و به کانون خانواده صفا می‌دهد. خوش اخلاقی مصداق متعدد دارد، یکی از مصادیق مهم آن ارتباط کلامی زن و شوهر است. مثلاً اگر زن شوهرش را و بر عکس مرد همسرش را با واژه‌های زیبا محبت‌آمیز صدا کنند، نتیجه مطلوب خواهد داشت و در غیر این صورت نتیجه عکس خواهد داد. نمونه‌های زیر را ملاحظه فرمایید.

مرد ۲۲ ساله‌ای همسر ۱۹ ساله خود را به علت این که وی را خر گور خطاب کرده بود، با ۱۵ ضربه چاقو به قتل رسانید. وی در دادگاه گفت: یک سال پیش با همسرم ازدواج کردم. در آغاز زندگی، مرا بسیار دوست می‌داشت، اما به زودی تغییر رویه داد و شروع به ناسازگاری کرد. بر سر هر مسئله کوچکی به من فحاشی می‌کرد و به خاطر این که یکی از چشم‌هایم کمی چپ است، مرا با لقب «خر گور» خطاب می‌کرد.

وی در روز حادثه، شوهر خود را خر گور خطاب می‌کند. او چنان خشمگین می‌شود که به جان همسرش افتاده و او را با ۱۵ ضربه چاقو از پای درمی‌آورد.^۲

مرد ۷۱ ساله‌ای که زنش را کشته، درباره علت قتل او می‌گوید: ناگهان رفتار

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.

۲. ابراهیم امینی، آیین همسرداری، ص ۴۱.

همسر نسبت به من تغییر کرد و به من بی‌اعتنا شد. یک بار هم مرا پیرمرد غیرقابل تحمل صدا کرد و با این حرف نشان داد که دوستم ندارد. من نیز دچار سوءظن شدم و با دو ضربه تبر، او را کشتم.^۱

۴. سلامت عقل

یکی از معیارهای مهم ازدواج سلامت عقل است، یعنی دختر و پسر از نظر رشد عقلی باید هم‌کفو باشند، زیرا از عوامل مؤثر در اختلافات خانوادگی، عدم تناسب «عقل» بین زوجین است و یکی از عوامل استحکام خانواده رشد عقلی و بلوغ فکری است. نقص در رشد و تحول اجتماعی و عقلانی و به عبارتی دیگر، عدم پختگی، موجب رفتارهای نسنجیده و نامناسب با شرایط مختلف می‌شود. افزون بر این، واکنش مناسب به رفتارهای دیگران نیز نیازمند تحول‌یافتگی مناسب است. همین مسئله، زمینه اختلاف زن و شوهر را فراهم می‌کند.^۲

تفاوت زیاد در بهره‌های هوشی زن و مرد، زمینه‌ای برای اختلاف آنهاست. از آنجا که هوش در انجام رفتار سازگار بسیار مؤثر است، فاصله زن و شوهر در آن به فاصله در رفتارها می‌انجامد. افزون بر این، درک متقابل نیز در صورت تفاوت هوشی زیاد دشوار می‌شود و افراد در ابراز واکنش مناسب، دچار تعارض خواهند شد.^۳

امام علی علیه السلام فرموده است:

«صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقٌ سِرَّةٌ وَ لَا غِنَى كَالْعَقْلِ وَ لَا فَقْرٌ كَالْجُهْلِ وَ لَا مِيرَاثٌ كَالْأَدَبِ وَ لَا

۱. همان.

۲. محمد حسین فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی خانواده و طلاق، ص ۱۵۴.

۳. حسین عسکری، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی‌ناشویی، طلاق، ص ۲۶۰.

مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ وَلَا عَقْلٌ كَالْتَدْبِيرِ؛^۱ سینه خردمند، صندوق اسرار اوست، هیچ بی‌نیازی بسان خردورزی نیست، هیچ فقری مانند نادانی نیست، هیچ میراثی همانند، تربیت نیست، و هیچ ثروتی چون عقل ثمربخش نیست و هیچ خردمندی چون آینده‌نگری و تدبیر نیست.»

اگر زن و شوهر با هم تفاهم داشته باشند و موقعیت یکدیگر و شرایط و امکانات زندگی را خوب درک کنند می‌توانند زندگی موفقیت‌آمیز داشته باشد و با عقل و درایت مشکلات را حل و فصل نمایند، چون بیشتر اختلافات خانواده و کشمکش‌های زندگی، معلول جهالت و نادانی زن و شوهر یا یکی از آنها است. زوجین هر چه عاقل‌تر باشند بهتر می‌توانند همسررداری کنند و وسیله آسایش و خوشی یکدیگر را فراهم سازند و از اختلافات و مشکلات بکاهند. همسر عاقل، گذشت و بردباری دارد و با بهانه‌های کوچک و جزئی زندگی را متلاشی نمی‌سازد.^۲

عقل و هوش زن و شوهر در فرزندان نیز تأثیر دارد. فرزندان خانواده خوش فهم و با هوش، غالباً زیرک می‌شوند و برعکس، حماقت و نادانی پدر و مادر نیز - معمولاً - به فرزند منتقل می‌شود همسر با هوش و عاقل بهتر می‌تواند در تعلیم و تربیت فرزندان انجام وظیفه نماید. بر این اساس عقل و درایت یکی از عوامل باارزش خوش‌بختی و تحکیم خانواده محسوب می‌شود که به هنگام گزینش همسر باید مورد توجه قرار گیرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «قَوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ، وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»؛^۳ اساس موجودیت انسان عقل او است، و آن کس که عقل ندارد دین ندارد.»

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۴.

۲. ابراهیم امینی، انتخاب همسر، ص ۱۰۲.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱، ص ۹۴، ح ۹۴.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينٌ، وَمَنْ كَانَ لَهُ دِينٌ دَخَلَ الْجَنَّةَ؛^۱ هر کس عاقل باشد، دین دارد و هرکس دین داشته باشد بهشت می‌رود.» و نیز در روایت دیگر می‌فرماید: «إِنَّ الثَّوَابَ عَلَى قَدْرِ الْعَقْلِ؛^۲ ثواب و پاداش عمل هر کس به اندازه عقلش است.»

شریعت اسلام برای جلوگیری از مشکلات تأکید می‌کند که ازدواج با احمق صورت نپذیرد. «احمق» کسی است که از نظر هوشی عقب مانده است، چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِيَّاكُمْ وَتَزْوُجِ الْحَمَقَاءِ فَإِنَّ صُحْبَتَهَا بَلَاءٌ وَوَلَدُهَا ضِيَاعٌ؛^۳ پرهیزید از ازدواج با «احمق»! زیرا، مصاحبت و زندگی با او بلاست و فرزندانش نیز تباه می‌شوند.»

۵. زیبایی

یکی از معیارهای دیگر ازدواج زیبایی است. این امر در کنار معیارهای دیگر از عوامل مهم استحکام خانواده محسوب می‌شود. افزون بر این زیبایی عامل مهم حفظ عفت و ضامن جلوگیری همسر از انحراف و چشم‌چرانی می‌گردد.

ناگفته نماند که چند نکته درباره زیبایی درخور توجه است:

الف. گرچه زیبایی ظاهر و تناسب اندام را در انتخاب همسر نمی‌توان نادیده گرفت، ولی این مسئله نباید به عنوان بزرگ‌ترین هدف و معیار ازدواج محسوب شود، به گونه‌ای که دیگر معیارها را تحت الشعاع قرار دهد، بلکه این امر باید در کنار معیارهای دیگر مانند: ایمان، تقوا، حیا، و... مد نظر قرار گیرد. متأسفانه باور عمومی آن است که زیبایی معیار اصلی ازدواج می‌باشد، از این رو است که - در هنگام انتخاب همسر - اولین سؤال از زیبایی دختر و پسر است؛

۱. کلینی، اصول الکافی، ج ۱، ص ۱۱.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۴۰.

۳. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۰۶.

اما اسلام ضمن این که برای زیبایی اهمیت قایل است، به دینداری توجه خاصی نموده است. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: «أَفْضَلُ نِسَاءِ أُمَّتِي أَصْبَحُهُنَّ وَجَهًا وَ أَقْلُهُنَّ مَهْرًا»^۱ برترین زنان امت من زنی است که زیبایی اش بیشتر و صداقش کمتر باشد. پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ إِمْرَأَةً... لِحِبَاهَا، رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ»^۲ کسی که (فقط) به خاطر زیبایی زنی با او ازدواج کند، در او امور ناخوشایند خواهد دید.»

همچنین فرمود: «إِنَّا كُفُّمُ وَ خَضِرَاءُ الدَّمَنِ»، قیل: «يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا خَضِرَاءُ الدَّمَنِ؟» قَالَ: الْمَرْأَةُ الْحَسَنَاءُ فِي مَثَبِ السُّوءِ؛^۳ از خضراء الدمن (گیاه روئیده در میان کثافات) بپرهیزید. گفته شد: ای رسول خدا! خضراء الدمن چیست؟ فرمود: زن زیارویی که در خانواده‌ای فاسد رشد کرده است.»

همچنین زیبایی باید در کنار اصالت خانوادگی لحاظ گردد. به همین جهت است که وقتی شخصی خدمت پیامبر اکرم ﷺ آمد و در امر ازدواج مشورت کرد، حضرت به او فرمود: «عَلَيْكَ بِذَاتِ الدِّينِ تَرَبَّتْ بِدَاكٍ»^۴ بر تو باد که همسر دیندار اختیار کنی، دست‌هایت نیازمند خداوند خداوند باد.»

جالب این است که رهبران اسلام، به افرادی که در انتخاب همسر، اصالت را به دینداری می دهند، وعده مال و جمال داده‌اند. امام صادق عليه السلام می فرماید: «إِذَا تَزَوَّجَ الرَّجُلُ الْمَرْأَةَ لِحِبَاهَا أَوْ لِمَالِهَا وَكَلَّ إِلَى ذَلِكَ، وَإِذَا تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا رَزَقَهُ اللَّهُ الْجَمَالَ وَالْمَالَ»^۵

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۳۴۷.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۱.

۳. کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲؛ محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۶، ح ۷۸۵۸؛ فیض محمد محسن کاشانی، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۹۳.

۴. کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲؛ محمد تقی مجلسی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۸، ص ۱۱۴.

۵. محمدبن یعقوب کلینی، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

هرگاه مرد، زنی را به خاطر زیبایی و ثروتش به همسری برگزیند، به همان واگذار می‌شود و هرگاه او را به خاطر دینش به همسری برگزیند، خداوند زیبایی و مال، روزی او می‌سازد.»

ب. گرچه زیبایی ظاهری، امری پسندیده است و در انتخاب همسر باید مورد توجه قرار گیرد، اما نباید از حد معمول تجاوز کند و به صورت «مشکل پسندی» درآید و انسان را از ازدواج به موقع باز دارد.

ج. بهتر است زن و مرد در مراسم خواستگاری، با اجازه و رضایت والدین، یکدیگر را ببینند و واقعیت‌ها را به هم بگویند.

امام خمینی علیه السلام فرمود: «هر یک از زوجین می‌توانند (در مراسم خواستگاری) مستقیماً از یکدیگر درباره هم تحقیق کنند، مشروط به آن‌که این تحقیق مستلزم حرام نباشد. هر یک از زوجین می‌توانند بدن دیگری را با شرایط زیر ببینند:

۱. نگاه به قصد لذت و ریبه نباشد؛ ۲. ازدواج متوقف بر این نگاه باشد؛
۳. مانعی از ازدواج این دو در میان نباشد؛ ۴. بهتر است این دیدن از روی لباس نازک باشد؛ ۵. باید این نگاه آخرین تحقیقی باشد که هر یک از زوجین انجام می‌دهند و...»^۱

۶. تناسب سنی و تحصیلی

به طور کلی، تناسب سنی و جسمی در زناشویی مسئله مهمی است و عدم توجه به آن عواقب ناگواری را در پی دارد. سن زن و مرد در ازدواج از دو جنبه دارای اهمیت است:

۱. جنبه روانی: انسان در فرآیند رشد از نظر روانی، در سنین مختلف، دارای

۱. سیدروح الله موسوی الخمینی، تحریرالوسیله (کتاب النکاح)، مسئله ۲۸.

ویژگی‌های متفاوت می‌باشد.

۲. جنبه فیزیولوژیکی: علاوه بر جنبه‌های روانی، ارضای غرایز جنسی خود مسئله مهم است.

سن ازدواج در شرایط جغرافیایی و اقلیمی مختلف، متفاوت است. معمولاً در مناطق گرمسیر، سن بلوغ پایین‌تر از مناطق سردسیر و کوهستانی است. مهم نیست که فرد در چه سنی بالغ می‌شود، مسئله مهم این است که فرد احساس کند که از نظر فیزیولوژیکی و روانی نیاز به ازدواج دارد. تشخیص زمان مناسب ازدواج و فاصله سنی زوجین از سوی افراد تازه بالغ، مشکل است. در این مورد، استفاده از راهنمایی‌های والدین و مشاوران خانواده ضروری است.

در مجموع آنچه از دیدگاه اسلام مهم است بلوغ فکری و جسمی است. با توجه به تحقیقات انجام شده، بهترین سن ازدواج برای دختران ۱۶ الی ۲۰ سالگی و برای پسران ۱۸ الی ۲۳ سالگی می‌باشد و مناسب‌ترین فاصله سنی، در ازدواج بین ۱ الی سال است و اگر هم، سن آنها مساوی باشد، اشکالی ندارد. این تفاوت بدین جهت است که زن‌ها در اثر بارداری و زایمان و شیردادن کودک، غالباً از مردها زودتر پیر می‌شوند و طراوت و شادابی خویش را از دست می‌دهند. زن اگر چند سالی از شوهر کوچک‌تر باشد، مدت بیشتری می‌تواند نظر شوهر را به خود جلب کند و تمایلات روحی، روانی و جنسی او را ارضا نماید؛ در نتیجه، برای همیشه صلح، صفا، دوستی، عشق و محبت در کانون گرم خانوادگی حاکم خواهد شد.

نکته شایان توجه این است که در امر ازدواج شرط سنی در اسلام مطرح نیست، یعنی این‌گونه نیست که اگر زوجین توافق سنی نداشته‌اند، عقد باطل باشد، در عین حال نباید سن زوجین تفاوت فاحش داشته باشد؛ زیرا تجربه نشان داده است که بسیاری از درگیری‌ها و اختلافات ناشی از تفاوت فاحش

سنی بین زن و مرد است. چه بسا یکی از طرفین به خاطر کمی سن نتواند دیگری را تحمل کند و یا احیاناً آن که از سن بالایی برخوردار است، از لحاظ غریزه جنسی ضعیف باشد و نتواند دیگری را که قوی است، ارضا و اشباع نماید، از این رو ممکن است زن به اعمال خلاف عفت روی آورد و اساس خانواده را درهم ریزد و حیثیت خانواده یا طایفه‌ای را در معرض خطر قرار دهد. از این رو، این که احیاناً ثروتمندان در دوران کهولت سنی و تحلیل قوا در صدد ازدواج با دوشیزه‌ای برمی‌آیند و دوشیزگانی هم به طمع مال و ثروت آنان حاضر به ازدواج با آنان می‌شوند، کار صحیحی نیست و تحقیقات نشان داده است که در موارد قابل توجهی این گونه ازدواج‌ها مفساد و خطرهایی در پی داشته است؛ پس باید از این ازدواج‌ها جداً پرهیز شود.

همچنین یکی دیگر از معیارهایی که باید در ازدواج در نظر گرفته شود، تناسب تحصیلی است. بسیار شایسته است که زن و شوهر از نظر معلومات و تحصیلات علمی، در یک سطحی نزدیک به هم باشند و فاصله زیادی نداشته باشند؛ بنابراین، زن یا مردی که تحصیل کرده است، صلاح نیست با فردی غیرتحصیل کرده، ازدواج نماید. البته در موارد خاص ممکن است با وجود عدم تناسب تحصیلی، ازدواج موفقیت‌آمیز باشد، اما این امر محدود است.

۷. مصونیت از آلودگی شراب

گرچه مصونیت از شرابخواری یکی از مصادیق دین‌داری است، لذا می‌توانست این موضوع در معیار اول ازدواج (ایمان و تقوآمداری) بررسی شود، اما به دلیل تأکید روایات بر اجتناب از آلودگی به شراب، این موضوع را جداگانه بررسی نمودیم؛ بر این اساس از جمله شرایط لازم در انتخاب همسر، آن است که وی آلوده به مشروبات الکلی نباشد.

اولیای گرامی اسلام برای آن که جامعه را از خطر موالید معلول و

ناقص الخلقه مصون نگاهدارند، به پیروان خود توصیه کرده‌اند که با شارب الخمر ازدواج نکنند و دختران پاک خود را به همسری افراد الکلیست در نیاورند.

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «إِنَّ شَارِبَ الْخَمْرِ لَا يُزَوِّجُ إِذَا حَطَبَ؛^۱ شرابخوار اگر خواستگاری کرد، به او دختر داده نمی‌شود.»

همچنین آن حضرت فرمودند: «مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ فَكَأَنَّمَا سَاقَهَا إِلَى الرَّزَا؛^۲ هر کس دختر خود را به همسری شارب الخمر در آورد، مانند آن است که وی را به راه زنا و بی‌عفتی سوق داده باشد.»

امام رضا علیه السلام نیز می‌فرماید: «وَإِيَّاكَ أَنْ تُزَوِّجَ شَارِبَ الْخَمْرِ، فَإِنَّ زَوَّجْتَهُ فَكَأَنَّمَا قُدَّتْ إِلَى الرَّزَا؛^۳ بترس از این که دختر به شرابخوار بدهی، که اگر او را به چنین تبهکاری شوهر دهی، گویا آن عقیفه کریمه را به زنا داده‌ای!!» امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «مَنْ زَوَّجَ كَرِيمَتَهُ مِنْ شَارِبِ الْخَمْرِ فَقَدْ قَطَعَ رَحِمَهَا؛^۴ کسی که دخترش را به شرابخوار بدهد، با این کار خود قطع رحم کرده است.»

شاید مراد از قطع رحم در این روایت این باشد که با این ازدواج سبب نازایی او شده است و یا مراد این است که او را از یک پیوند درست و ازدواج محکم و استوار محروم ساخته است.

بدینسان؛ آن کس که پای بند به واجبات الهی نیست، و از فسق و فجور پرهیز ندارد، اهلیت ندارد که دختری پاک و مؤمنه که امانت الهی است به او سپرده شود، که نه تنها دختر ضایع می‌گردد، بلکه فرزندان آنها متأثر از آثار سوء

۱. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۴۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴،

ص ۵۳، ح ۲.

۲. نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ص ۱۹۱.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۱۴۲.

۴. کلینی، محمدبن یعقوب، فروع الکافی، ج ۵، ص ۳۴۷؛ شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه،

ج ۱۴، ص ۵۳.

وجودی آن شوهر خواهند شد. داده‌های علمی نیز نشان می‌دهد که شراب‌خوری والدین در خلقت فرزند اثر می‌گذارد؛ چه بسا فرزند در اثر آلودگی والدین به شراب، ناقص‌الخلقه متولد شود؛ حضرات معصومین علیهم‌السلام این حقیقت را اعلام فرموده‌اند: «الْحُرَامُ يَبِينُ فِي الذَّرِّيَّةِ»^۱ آثار حرام در نسل آشکار می‌گردد! از این روایات می‌توان فهمید که چون شرابخوار، هتک حرمت فرمان خداوند کرده و به آن بی‌اعتنایی نمود و دست به سرکشی و طغیان زده است، نسبت به همسر و فرزندان نیز چنین خواهد کرد، حرمتشان را خواهد درید؛ حقوقشان را ادا نخواهد کرد و موجبات آزار و اذیتشان را فراهم خواهد ساخت و صفات رذیله و ناپسند او به همسر و فرزندان منتقل شده و فطرت پاکشان را آلوده خواهد کرد.

گفتنی است: یکی از مشکلات جدی جامعه ما، افراد معتاد به مواد مخدر است: لذا این سؤال پیش‌رو است که آیا دختران را می‌توان به عقد معتادها درآورد؟ در جواب باید گفت: گرچه عدم اعتیاد از معیارهای ازدواج نیست، اما نباید از این امر غافل بود، زیرا اعتیاد سبب اختلال در نظام خانوادگی می‌گردد. متأسفانه معتادان خود را پایبند به هیچ مقرراتی نمی‌دانند و به خاطر تأمین نیازشان به هر کاری زشت دست می‌زنند؛ ارزش‌های خانوادگی را زیر پا می‌گذارند و حقوق همسر و فرزندان را رعایت و ادا نمی‌کنند، از این رو، ازدواج با این‌گونه افراد، ازدواج موقفی نخواهد بود. امروزه نقش زیانبار این آلودگی‌ها در ویرانی خانواده‌ها و نابودی نسل جوان بر همگان روشن است و در ضمن، آثار زیانبار اینها در تولد فرزندان ناقص‌العقل و عقب‌افتاده نیز ثابت شده است.

بنابراین، به صلاح انسان نیست که با شخص فاسق، مشروب‌خوار، قمارباز،

۱. حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، باب ۱، ص ۸۱.

معتاد، ازدواج کنند، گرچه ثروت مند و دارای جاه و مقام باشد، زیرا ازدواج با چنین افرادی هم به حیثیت و آبروی انسان لطمه وارد می‌سازد، هم موجب ناراحتی و اختلاف و ناسازگاری می‌گردد، و به طور خلاصه ازدواج با چنین افرادی هم به دین و آخرت انسان لطمه می‌زند، هم سعادت و آرامش خانوادگی را سلب می‌کند.^۱

۱. ر.ک: ابراهیم امینی، جوان و همسر گزینی، ص ۱۳۵.